

سخنان حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی
در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

فراسوی چالشهای ایران و آژانس در پرونده هسته‌ای

در بحث هسته‌ای حساسیت موضوع از اینجا نشئت می‌گیرد که در فن‌آوریهای مربوط به بخش هسته‌ای، بخش چرخه سوخت یک حساسیت ویژه‌ای دارد. به دلیل اینکه توانمندی در چرخه سوخت، تقریباً مساوی است با توانمندی یک کشور برای ساخت سلاح هسته‌ای در زمانی که اراده سیاسی آن کشور بر این امر تعلیق بگیرد. یعنی کشوری که چرخه سوخت دارد می‌تواند اورانیوم را غنی کند و کشوری که می‌تواند اورانیوم را تا یک مرز حدوداً ۳/۵٪ غنی کند، این توانمندی را خواهد داشت که آن را تا بیش از ۹۰٪ هم غنی کند و به همین دلیل، این توانمندی امروزه با حساسیت فوق‌العاده در محافل بین‌المللی مورد بحث است.

کشوری که دارای این توانمندی باشد با نگرانی و حساسیت با آن برخورد می‌شود. معمول این است که فشار را به کشوری وارد می‌کنند که در آستانه است. یعنی اگر واقعاً کشوری این توانمندی را به طور کامل به دست بیاورد ادامه‌ی فشار بسیار سخت و یا ناممکن می‌شود و کشوری هم که به زودی به این توانمندی نمی‌رسد، قاعدتاً فشاری بر آن وارد نمی‌شود؛ اما کشوری که در آستانه‌ی دستیابی به فن‌آوری قرار می‌گیرد، فشارهای فراوانی به آن وارد می‌شود تا فعالیت خود را متوقف کند و به سمت تکمیل آن توانمندی نرود و لذا در این حالت، فشارها دو چندان می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران از ۱۶-۱۵ سال قبل یعنی از سالهای ۶۷-۶۶، یکی از موضوعاتی که دنبال می‌کرد این بود که بتواند فن‌آوری چرخه سوخت را به دست بیاورد؛ زیرا همواره استفاده از انرژی هسته‌ای مدنظر بوده و می‌خواستیم دارای نیروگاه هسته‌ای باشیم و اینکه بتوانیم سوخت آن را هم خودمان تولید کنیم.

برای اینکه بتوانیم فن‌آوری و امکانات چرخه سوخت را از کشوری خریداری کنیم، تلاش زیادی شد. در آن سالها و شرایط آن زمان، ما بیشتر دنبال شوروی و چین بودیم ولی هیچ کشوری حاضر نشد که این فن‌آوری را به ما بدهد.

گرچه حق طبیعی یک کشور است که دارای چرخه سوخت باشد، اما به خاطر قابلیت‌هایی که در سایه‌ی این فن‌آوری ایجاد می‌شود، از دادن آن پرهیز می‌کردند. لذا تلاش برای اینکه ما بتوانیم این توانمندی را از طرق مختلف به دست آوریم آغاز شد؛ مثلاً فعالیت‌هایی که باید در داخل کشور انجام بگیرد تا به توانمندی‌های ملی در این زمینه برسیم و یا ورود بازار سیاه و تماس با افراد و شبکه‌های مختلف در این زمینه، شروع شد. در این زمینه‌ها قدم‌هایی در داخل برداشته شد و یکسری امکانات از طرق مختلف آماده شد.

در سالهای اخیر، یعنی از سال ۷۸ تصمیم گرفته شد تا این امکاناتی که داشتیم فعال‌تر کنیم. به همین دلیل، تلاش مضاعفی در کشور آغاز شد و یکسری اختیاراتی به سازمان انرژی اتمی داده شد که قبلاً در اختیار این سازمان نبود. یعنی از لحاظ اعتبارات و نحوه‌ی هزینه آنها با تسهیلات جدید و مقررات ویژه، دست سازمان بازگذاشته شد، تا بتواند بدون عبور از پیچ و خم‌های مقرراتی، فعال شوند. در پی این فعالیتها بود که تابستان ۱۳۸۱ سروصدایی در رسانه‌های غربی آغاز شد مبنی بر اینکه ایران مشغول ساختن بمب اتم است.

به یاد دارید که این سروصدا در مرداد سال ۱۳۸۱ شروع شد. پس از این سروصدا، آژانس هم وارد عمل شد و از ایران در این زمینه سؤالاتی را مطرح کرد تا روشن شود آیا اقدامات ایران قانونی بوده یا نه؟ فعالیتها مخفی بوده و یا غیر مخفی؟ آیا این اقدامات با تعهدات ایران طبق معاهده N.P.T و قرارداد پادمان انطباق دارد یا نه؟ آیا برخلاف مقررات، اعمالی انجام شده است یا نه؟

به خاطر دارید که سروصدای زیادی در رسانه‌های جهان شد و در پی آن، آقای البرادعی در زمستان سال ۱۳۸۱ به ایران سفر کرد. در این سفر از نطنز بازدید به عمل آورد. بعد از آن، این بحث پیش آمد که پرونده ایران در شورای حکام مطرح شود. به دلیل اینکه آمریکاییها در آن

ایام مصمم بودند که به عراق حمله کنند، لذا دست نگه داشتند و به همین دلیل فتیله مسئله را مقداری پایین کشیدند. در آن شرایط، این بحث هم در آمریکا مطرح بود که ایران اول یا عراق؟ ولی در نهایت تصمیم بر این شد که به عراق حمله شود. لذا آمریکا کاملاً خود را در بهمن آماده می کرد و در اسفند ماه با آمادگی کامل ظاهر شده بود و در روز آخر اسفند حمله به عراق آغاز شد.

خود به خود، سروصدای بحث ایران در ماه فروردین و اردیبهشت به دلیل اینکه اوج بحث عراق و لشکرکشی به آنجا بود، کمتر شد. اما از خرداد که پیروزی آمریکا در عراق مشهود شد و به اصطلاح خودشان توانستند عراق را تصرف کنند و هنوز هم مقاومتی که امروز در عراق است و فشارهایی که فعلاً روی سربازان آمریکایی است شکل نگرفته بود، به این فکر افتادند که شرایط مناسب است تا مسئله ایران را در شورای حکام مطرح کنند و زمینه مناسبی است تا پرونده به شورای امنیت برود و به دنبال اش تحریم و یا حتی عملیات نظامی علیه ایران طراحی شود و یا حداقل فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران شکل بگیرد.

به همین دلیل، پرونده هسته ای ایران برای اولین بار در خرداد سال ۱۳۸۲، به طور رسمی در شورای حکام آژانس مطرح شد. البته در آن جلسه قطعنامه ای صادر نشد، گزارش مدیر کل مطرح شد و به عنوان بیانیه، رئیس اجلاس یک جمع بندی را ارائه کرد که جمع بندی خوبی نبود. از آن زمان بود که در کشور یک احساس خطری به وجود آمد که یک توطئه ای ممکن است علیه ایران طراحی شده باشد و با مشکلاتی مواجه شویم.

تا آن زمان عمدتاً کارهای سیاسی و فنی بر عهده سازمان انرژی اتمی بود. یعنی سفیر جمهوری اسلامی ایران در وین در بخش مربوط به آژانس، از طرف سازمان انرژی اتمی تعیین می شد و با تصویب رئیس جمهور منصوب می گردید. بنابراین سازمان هم کار سیاسی و هم کار فنی را بر عهده داشت. البته وزارت خارجه هم در بعضی از مسائل در آن مقطع کمک می کرد. اما احساس شد ضرورت دارد که این مسائل در سطح بالاتری مورد بحث و بررسی قرار گیرد و لذا موضوع در شورای عالی امنیت ملی برای اولین بار مطرح شد که چه اقداماتی باید انجام شود. در این زمینه جلساتی برگزار شد تا به اجلاس بعدی که اجلاس ماه سپتامبر (شهریور سال ۸۲) بود، نزدیک شدیم. اختلاف نظر شدیدی بین سازمان انرژی اتمی و وزارت خارجه پیش آمد. سازمان انرژی اتمی می گفت: پرونده هسته ای ایران، مسئله مهمی نیست و ما می توانیم در این اجلاس، آن را حل و فصل کنیم ولی وزارت خارجه هشدار شدیدی می داد

که ممکن است مسیر پرونده، مسیر بسیار دشواری باشد. در واقع این دو ارگان درست نقطه مقابل یکدیگر نظر داشتند. در جلساتی که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تشکیل می شد این اختلاف نظرها کاملاً مشهود بود و اینجا بود که این بحث در سطح کشور مطرح شد که راجع به پروتکل الحاقی چه اقدامی باید صورت گیرد. اگر یادتان باشد، سروصدای زیادی در کشور شروع شد که آیا پروتکل را بپذیریم یا نپذیریم، پذیرش پروتکل خیانت است و یا ضرورت. دلیل آن هم این بود که آقای البرادعی (مدیر کل آژانس) در گزارشی که برای ماه سپتامبر آماده کرد بود و منتشر شده بود به صراحت به این نکته اشاره کرد بود که من راجع به پرونده هسته ای ایران بدون اینکه ایران پروتکل الحاقی را بپذیرد و آن را اجرا کند قادر نیستم که راستی آزمایی کنم یعنی من نمی توانم Verification را انجام دهم و برای من راستی آزمایی امکان پذیر نیست.

در اجلاس ماه سپتامبر یک قطعنامه بسیار شدیدی باللحنی علیه ایران با اجماع (بدون رأی گیری) تصویب شد. البته در آن مقطع، ما عضو شورای حکام بودیم. قطعنامه به گونه ای صادر شده بود که ما را به پشت درب شورای امنیت سازمان ملل برده بود. کاملاً روشن بود که یک برنامه ریزی حساب شده ای در پشت پرده انجام شده است تا از طرق این قطعنامه، ما را به شورای امنیت ببرند. در این شرایط یک بحث جدید در کشور مطرح شد که در این شرایط، چه کاری باید انجام داد؟! یک فرض این بود که به شورای امنیت خواهیم رفت و یک فرض هم این بود که مسئله به گونه ای قابل حل و فصل است. در آن مقطع که مسئله از لحاظ فنی و حقوقی بررسی شد (در آن زمان در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی کمیته ای تشکیل شده بود و در آن کمیته وزرای مربوطه شرکت می کردند و بحثهای مفصلی در این زمینه صورت می گرفت) نتیجه ی اولیه این بحثها این بود که اگر حتی همکاری کامل با آژانس طبق این قطعنامه انجام دهیم، باز هم در نوامبر (آذر ۱۳۸۲) به شورای امنیت خواهیم رفت. بنابراین باید به فکر یک سازوکار دیگری می بودیم که با آژانس همکاری کنیم و به شورای امنیت هم نرویم. بحث این نبود که تضمین شود هیچ گاه به شورای امنیت نخواهیم رفت، بلکه بحث این بود که در آن مقطع که آمریکا در اوج غرور بود و کشور هم آمادگیهای لازم را برای شورای امنیت نداشت، پرونده به شورای امنیت نرود. ضمن اینکه ما هنوز تمام راهها را تجربه نکرده بودیم که آیا می توان مسئله را از راههای دیگری حل و فصل کرد یا نه. بنابراین موضوع در جلسات متعدد در سطوح مختلف مورد بررسی قرار گرفت.

در حال حاضر هم، سازوکار تصمیم‌گیری ما در بحث هسته‌ای در چهار رده صورت می‌گیرد. یک رده بحث کارشناسی است که ریاست آن را یکی از مدیران وزارت خارجه برعهده دارد و تمام ارگانهای مربوطه شرکت دارند. بحث کارشناسی هم در رده بالاتر انجام می‌شود که جلسات آن در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تشکیل می‌شود. رده سوم، کمیته‌ای در سطح وزرا است که آن هم در دبیرخانه شورای عالی تشکیل می‌شود و رده چهارم، در سطح سران نظام است که تصمیمات کلان و اساسی در آن رده اتخاذ می‌شود.

در جلسه سران نظام این بحث مطرح شد که ما طبق قطعنامه سپتامبر موظفیم که تصویر کامل برنامه هسته‌ای را در طول سالهای گذشته به آژانس ارائه‌ی کنیم؛ بحث اصلی این بود که آیا ارائه‌ی تصویر کامل می‌تواند مشکل را حل کند یا نه؟ اگر تصویر کامل را ارائه می‌کردیم خود آن تصویر ممکن بود ما را به شورای امنیت ببرد. اگر ارائه نمی‌کردیم که به معنی تخلف از قطعنامه بود و به دلیل اینکه قطعنامه را اجرا نکرده‌ایم به شورای امنیت می‌رفتیم. بنابراین بحث این بود که هر راهی را انتخاب کنیم، فرق نمی‌کند و پرونده ما به شورای امنیت خواهد رفت. به این دلیل در جلسات کارشناسی بحث شد که آیا با اروپاییها در این زمینه همکاری را شروع کنیم یا نه و آیا این همکاری مؤثر است یا نیست؟ برخی معتقد بودند که همکاری با اروپا تأثیری ندارد چون اروپا مستقل نیست و چون آمریکا مصمم است ما را به شورای امنیت ببرد، لذا اروپا نمی‌تواند کاری انجام دهد. برخی هم معتقد بودند که همکاری با اروپا می‌تواند مؤثر باشد. همه این مباحث در جلسه سران نظام مطرح شد.

به این نکته هم توجه داشته باشید که سه کشور اروپایی نامه‌ای در تابستان ۱۳۸۲ برای دولت ایران فرستاده بودند که نسبت به مسائل هسته‌ای ایران طرحی را پیشنهاد کرده بودند. البته در آن نامه مطالب مختلفی بود، من جمله نوشته بودند که شما باید چرخه سوخت را کنار بگذارید. مشابه همین نامه را دولت روسیه هم برای دولت ایران فرستاده بود. آنها هم نوشته بودند که ایران باید چرخه سوخت را کنار بگذارد. لذا این بحث مطرح شد که آیا ما سه وزیر اروپایی را به تهران دعوت کنیم یا نه؟ اختلاف نظر از دو منظر مطرح بود، بعضیها می‌گفتند اساساً بحث با اروپا مؤثر نیست، اگر هم بخواهند، نمی‌توانند در برابر آمریکا کاری را از پیش ببرند. بعضیها هم می‌گفتند اگر آنها را به تهران دعوت کنیم، پاسخ مثبت نخواهند داد. استدلال آنها هم این بود که هیچ‌گاه تا به حال سه وزیر مهم اروپایی به اتفاق به یک کشور غیر اروپایی برای موضوعی سفر نکرده‌اند و عملاً این کار، شدنی نیست. وزارت امور خارجه ما هم معتقد

بود که این کار از لحاظ تشریفات، شدنی نیست. یعنی اگر سه وزیر را دعوت کنیم به تهران، نخواهند آمد. اما به هر حال در آن جلسه تصمیم گرفته شد که آنها را دعوت کنیم و اگر نپذیرفتند، جلسه در یک کشور اروپایی تشکیل شود. این بحث هم زمان بود با این مسئله که مسئولیت پرونده هسته‌ای به یک فرد واگذار شود و همه ارگانها زیر نظر او فعالیت کنند. در جلسه سران نظر همه اعضا، بر این قرار گرفت که بنده مسئول این پرونده باشم.

در واقع زمانی که ما سه وزیر را دعوت کردیم در آن مقطع برای این هدف بود که ما چگونه کل تصویر برنامه هسته‌ای و همه فعالیت‌های گذشته را اعلام کنیم و به شورای امنیت هم نرویم. اگر می‌خواستیم فعالیت‌های گذشته را اعلام نکنیم، برای آژانس روشن می‌شد که قصد همکاری نداریم؛ چون اکثر فعالیت‌هایی که انجام داده بودیم و به آژانس اعلام نکرده بودیم، توسط کشورهای که طرف معامله با ما بودند به آژانس اطلاع داده شده بود. مثلاً کشور چین که ما طرح‌هایی با آن کشور قبلاً داشتیم و طبق پادمان می‌بایست به آژانس اعلام می‌کردیم و اعلام نکرده بودیم توسط خود چین‌ها به آژانس اعلام شده بود و آنها به ما گفتند که همه موارد را به آژانس اطلاع داده‌اند. همچنین برخی از تجهیزاتی که از روسها خریده بودیم، آنها هم همه موارد را به آژانس اطلاع داده بودند. حتی معلوم شد که برخی از آزمایشات مخفی که در سالهای قبل انجام داده بودیم آژانس از آنها با خبر است. مثلاً ما یک آزمایش در تهران انجام داده بودیم و مسئول پروژه استاد دانشگاه بود و یکی از دانشجویان او در همان مورد رساله‌ای را نوشته بود و آن رساله در چندین نسخه منتشر شده بود که اتفاقاً یک نسخه از آن هم در اختیار آژانس بود که ما از این مسئله مطلع نبودیم و بعدها آژانس یک نسخه از این رساله را ارائه کرد و گفت شما این آزمایش را انجام داده‌اید. یا مثلاً در موضوع دیگری که فکر می‌شد کسی خبر ندارد یکی از اساتید که در آن پروژه شرکت داشته بود در مورد آن، مقاله علمی نوشته و در یک مجله بین‌المللی چاپ شده بود و یک نسخه از آن هم در اختیار آژانس بود. بنابراین اکثر مواردی که فکر می‌شد آژانس از آنها بی‌خبر است، اطلاعات کاملی از آنها داشت. حتی نسبت به یکی از موارد که آزمایش آن حدود ۱۰ و ۱۲ سال قبل بود، زمانی که قرار بود موارد را به آژانس اطلاع دهیم، یکی از مسئولین آژانس گفته بود لابد فلان موضوع را هم حتماً می‌نویسید، در واقع می‌خواست بگوید ما از آن هم مطلع هستیم.

در واقع اساس بحث من با سه وزیر اروپایی این بود که اگر کل تصویر برنامه هسته‌ای را با توجه به مقررات ارائه کنیم با توجه به اینکه آمریکاییها اصرار دارند که ما را به شورای امنیت

ببرند، آنها چه خواهند کرد؟ که اگر آنها قول دهند که ایستادگی می کنند، ما با آنها شروع به همکاری و مشارکت کنیم. اگر هم نتوانند ایستادگی کنند که باید مسیر دیگری را انتخاب کنیم. وقتی سه وزیر را دعوت کردیم اولاً آنها برای سفر به ایران اعلام آمادگی کردند و گفتند منوط به این است که مدیر کل‌های وزارت خارجه سه کشور به صورت غیر رسمی به ایران سفر کنند و یک مذاکره کارشناسی انجام دهند تا ببینیم راهی وجود دارد یا نه؟ مدیر کل‌های سه کشور به تهران آمدند و با کارشناسان وزارت خارجه و این جانب صحبت کردند و در نهایت وزرا تصمیم گرفتند که به تهران سفر کنند. البته در آخرین لحظاتی هم که سه وزیر عازم تهران بودند، هنوز نسبت به متنی که می بایست توافق شود توافق نداشتیم. به هر حال آنها به تهران آمدند. در آغاز موارد مهم در جلسه کارشناسی مورد بحث قرار گرفت و آنها نتوانستند موارد اختلاف را حل و فصل کنند. بنابراین مسائل مورد اختلاف به ناچار در جلسه وزرا و این جانب مطرح شد. لذا جلسه خیلی طولانی شد. جلسه از صبح آغاز شد و تا حدود ۳ بعدازظهر ادامه داشت تا ما به توافق برسیم.

در این جلسه اروپاییها به ما قول دادند که اگر ما تصویر کامل هسته‌ای کشور را طبق قطعنامه به آژانس اعلام کنیم، اگر آمریکاییها بخواهند اصرار کنند که پرونده ما را به شورای امنیت ببرند، آنها ایستادگی خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که این اتفاق رخ دهد. البته شاید آن شرایط یک شرایط خاص بود. آمریکاییها در اوج غرور و پیروزی در عراق بودند و اروپاییها هم قصد نداشتند این پرونده به شورای امنیت برود تا آمریکاییها بخواهند یک بحران دیگری در منطقه ایجاد کنند. در آنجا این قول را به ما دادند که ما ایستادگی می کنیم و نمی گذاریم این پرونده به شورای امنیت برود. لذا ما تصویر کامل را به آژانس اعلام کردیم ضمن اینکه اعلام کردیم پروتکل الحاقی را امضا می کنیم. البته تمام مواردی که با سه وزیر اروپایی توافق کردیم مواردی بود که نظام تصمیم گرفته بود که آنها را انجام دهیم. یعنی اگر با سه وزیر هم به توافق نمی رسیدیم، به صورت یک جانبه اعلام می کردیم که پروتکل را امضا می کنیم؛ تصویر کامل پرونده هسته‌ای را به آژانس ارائه خواهیم کرد و اعلام می کردیم که بخشی از چرخه سوخت را به حالت تعلیق در می آوریم. یعنی تصویب شده بود که حتی اگر با ۳ کشور هم به توافق نرسیدیم، این موارد را یک جانبه اعلام کنیم. ولی ما با آنها یک معامله‌ای انجام دادیم که ما این موارد را انجام بدهیم و آنها هم در برابر آن تعهداتی را انجام بدهند.

مهم ترین قولی که به ما دادند این بود که در برابر مسئله شورای امنیت ایستادگی کنند و

کاری کنند که این مسئله در داخل آژانس حل و فصل شود. اروپا به این وعده خود در اجلاس نوامبر عمل کرد. یعنی علی‌رغم اینکه آمریکاییها با همکاری استرالیا، کره جنوبی و ژاپن پافشاری می‌کردند که این پرونده باید به شورای امنیت ارجاع شود، سه کشور اروپایی ایستادگی کردند و نگذاشتند پیشنهاد آمریکا مطرح شود. این مسئله بسیار جالب توجه بود؛ حتی روسها به ما گفتند که این اولین منظره جالب در تاریخ سیاسی بود که ما شاهد آن بودیم که انگلیس رو در روی آمریکا قرار گرفته بود. ما تا به حال چنین منظره‌ای را ندیده بودیم، برای ما خیلی زیبا بود. ما از اجلاس نوامبر عبور کردیم منتهی بعداً اعتمادسازی بین ما و اروپا یک مقدار دچار مشکل شد.

در اینجا این نکته را اضافه کنم و آن اینکه در آن مقطع ما از مذاکرات پشت پرده آمریکا و انگلیس بالیبی مطلع نبودیم. همچنین این موضوع که دلالتی که از او قطعاتی را خریداری کرده بودیم، لیبی هم از همان دلالت تجهیزات را خریداری کرده، اطلاع نداشتیم. ما یک متنی را راجع به آن دلالت و تجهیزاتی را که از او خریده بودیم به صورت برگ جداگانه و خصوصی برای البرادعی به ضمیمه همان تصویر کامل پرونده ایران به آژانس، ارائه کرده بودیم. مشخصاتی که آژانس درباره‌ی آن دلالت و مکانهایی که با او معامله کرده بودیم، به ما می‌داد، این اطلاعات و مشخصات را در واقع لیبی در اختیار آمریکاییها و انگلیسیها قرار داده بود. لیبیها تمام مسائل را از ابتدا تا انتها به آمریکاییها و انگلیسیها گفته بودند و هر چه که از این دلالت و دیگران خریداری کرده بودند را تحویل آمریکاییها دادند و هر آنچه که آمریکاییها و انگلیسیها از آنها خواسته بودند به آنها عمل کردند. یعنی راجع به صلح خاورمیانه، اسرائیل و اینکه رابطه با فلسطینیها را قطع کند و کمکهای مالی هم که به آنها می‌کرد را قطع کند؛ و... در واقع هر آنچه که آنها می‌خواستند از لیبی گرفتند. لذا وقتی می‌گویند مدل لیبی؛ این نیست که فقط سانتریفیوژها را جمع‌آوری کنیم و داخل کشتی بگذاریم و به واشینگتن بفرستیم بلکه، مدل لیبی یعنی در مسیر به رسمیت شناختن اسرائیل، یعنی قطع رابطه با نهضت‌های آزادی‌بخش در جهان؛ یعنی تمام مواردی که از قذافی قول گرفتند این را می‌گویند «مدل لیبی» الان شما می‌بینید که لیبی کلاً پروسه صلح را قبول کرد و به نوعی از پروسه صلح خاورمیانه حمایت می‌کند و با مبارزان فلسطینی قطع رابطه کرده و همه کمکها را قطع کرده و در واقع ۱۸۰ درجه تغییر جهت داده است.

به هر حال، از اطلاعاتی که از طریق لیبی به دست آورده بودند، متوجه شدند که ممکن است ما چیز دیگری هم از دلالت گرفته باشیم که اطلاع نداده‌ایم. ما تجهیزاتی را که از این دلالت

گرفته بودیم گفته بودیم جز یک مورد و آن هم، مورد مربوط به P۲ بود که نگفته بودیم و به خاطر اینکه اینها از طریق لیبی به دلال دست پیدا کرده بودند، اطلاعات کافی را به دست آورده بودند. به ما گفتند که آیا شما نقشه های P۲ را خریداری کرده اید یا خیر؟ که معلوم شد که در این رابطه اطلاعاتی دارند، البته ما قصد داشتیم P۲ را بعداً در اظهار نامه ها بنویسیم. ولی به هر حال آنکه این مورد را تخلف محسوب کردند.

سؤال یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی: آقای دکتر P۲ چیست؟

دکتر روحانی: P۲ سانتریفیوژ پیشرفته تر از P۱ است.

سؤال یکی از اعضای شورا: سانتریفیوژ چیست؟

دکتر روحانی: سانتریفیوژ دستگاهی است که گاز UF۶ وارد آن می شود و از طریق آن غنی می گردد؟

سؤال یکی از اعضای شورا: گاز UF۶ چیست؟

دکتر روحانی: UF۶ همان گاز هگزا فلوراید است که ماده اولیه برای غنی سازی از طریق سانتریفیوژ است. یعنی در واقع خوراک سانتریفیوژ محسوب می شود.

سؤال یکی از اعضای شورا: غنی سازی یعنی چه؟

دکتر روحانی: در اورانیوم طبیعی (همچنین در UF۶ که به صورت گاز است) ایزوتوپهای ۲۳۵ کمتر از ۱٪ است یعنی بیش از ۹۹٪ ایزوتوپهای ۲۳۸ است. ۲۳۴ و ۲۳۵ از ۱٪ کمتر است (۰/۷ درصد است). ما در غنی سازی، ایزوتوپهای ۲۳۵ را به جای ۰/۷ درصد به ۳/۵ درصد می رسانیم. دستگاههای سانتریفیوژ به دلیل سرعت زیاد و از طریق گریز از مرکز عمل جداسازی را انجام می دهد. این دستگاه در طول یک دقیقه ۶۰ هزار دور گردش دارد. یعنی در یک ثانیه حدود هزار دور گردش می کند و لذا به خاطر سرعت زیاد آن دو پایه ی آن نمی تواند ثابت باشد، لذا سمت بالا، از طریق مگنت معلق است و از سمت پایین به وسیله یک سوزن و داخل روغن گردش را انجام می دهد. در مجموع از لحاظ فنی یک ساختمان پیچیده ای دارد و اساساً از تکنولوژی پیشرفته ای برخوردار است. البته P۱ نسلی است که دهه ۶۰ در دنیا استفاده می شده، بعد از آن

نسلهای P1، P2 و... مورد استفاده قرار گرفته‌اند. آن چیزی که مادر اختیار داریم مدل P1 است و در مورد P2 هم در حد تحقیقاتی کارهایی در حال انجام است.

به هر حال مسئله P2 باعث شد که به اعتماد بین ما و اروپا خدشه وارد شود و به روند و پروسه‌ای که شروع کرده بودیم، ضربه اساسی وارد شود. به دلیل اینکه آمریکاییها از همان روزهای آغازین به اروپاییها می‌گفتند که ایرانیها به شما دروغ می‌گویند و تمام مسائل را به شما نگفته‌اند و آنچه اعلام شده بخشی از پرونده است، در مقابل اروپاییها می‌گفتند که ما به آنها اعتماد کرده‌ایم. موضوع P2 که کشف شد اروپاییها را عصبانی کرد و اساساً شک کردند که آیا ما غیر از P2 نقشه یا تجهیزات دیگری را هم گرفته‌ایم و به آنها اطلاع نداده‌ایم یا خیر؟ مثلاً به ما می‌گفتند که آیا شما نقشه بمب را هم گرفته‌اید؟ به دلیل اینکه لیبی نقشه بمب را هم خریداری کرده بود. آنها به ما می‌گفتند لیبی نقشه بمب را از همین دلالتی که شما با او رابطه داشتید خریداری کرده است. چگونه می‌شود که P2 و P1 را بخرید و نقشه بمب را خریداری نکنید؟! البته این دلال الان در زندان مالزی است.

در مجموع، به خاطر مسائلی که لیبی برای ما به وجود آورد، کار ما یک مقدار سخت و مشکل شد. ضمن اینکه علی‌رغم همه این مشکلات، در مراحل بعدی با اروپاییها به یک توافق بسیار خوبی رسیدیم و آن این بود که ما دامنه تعلیق را یک مقدار گسترش دهیم و آنها در قبال آن، پرونده ما را از دستور کار آژانس خارج کنند. این توافق در ماه فوریه ۲۰۰۴ در بروکسل صورت گرفت. ولی بعد از اینکه این توافق در سطح کارشناسان انجام گرفت و بعد سه وزیر آن را امضا کردند و برای ما ارسال کردند، آمریکاییها خیلی به آنها فشار آوردند که در نهایت از تعهدات خود عقب نشینی کردند. نسبت به خبر فشار شدید آمریکا در این مورد، ابتداء از طرق سیاسی آن را شنیدیم و بعد در روزنامه‌های اروپایی هم موضوع، منتشر شد که بوش با بلر تماس گرفته و از کار سه کشور انتقاد کرده که این چه توافقی است که با ایران امضا کرده‌اید؟ ما غنی‌سازی را در حدی که در قطعنامه‌ها آمده بود تعلیق کردیم و نه بیشتر از آن، آنها هم تعهد کرده بودند که پرونده ما را در ماه ژوئن از دستور کار شورای حکام خارج کنند. به هر حال به دلیل مخالفت آمریکا و سروصدای دیگران و مسئله راه‌اندازی اصفهان این کار انجام نگرفت. این موضوع باعث شد تعلیقی که روی قطعه‌سازی و مونتاژ شروع شده بود را به هم بزنیم. شروع مجدد قطعه‌سازی و مونتاژ، یک فضای سیاسی شدیدی علیه ما به وجود آورد.

موضوع دیگری که پیش آمد این بود که اروپاییها کم‌کم به این نتیجه رسیدند که ما در

مواردی که از لحاظ فن آوری مشکلاتی داشتیم، تعلیق را نپذیرفتیم و فقط روی مواردی که مشکل فنی نداشتیم تعلیق را پذیرفتم. این هم مطلبی است که اخیراً خود آنها در مذاکرات می گویند؛ یعنی بخش اصفهان که همان بخش U.C.F و کارخانه ای است که کیک زرد را به UF۴ و UF۶ تبدیل می کند، در دوران تعلیق، تکمیل کردیم. آن زمانی که با اروپاییها در تهران صحبت می کردیم هنوز در حال نصب دستگاهها در بعضی از بخشهای اصفهان بودیم و کار زیادی برای تکمیل پروژه باقی مانده بود. در واقع با فضای آرامی که ایجاد کردیم، توانستیم اصفهان را تکمیل کنیم که الحمد لله امروز اصفهان تکمیل شده است و می توانیم که کیک زرد را به UF۴ و UF۶ تبدیلی کنیم که این مسئله بسیار اهمیت دارد.

در واقع UF۶ ماده تغذیه ای اصلی ماشینهای سانتریفیوژ است که به عنوان Feed Material می باشد. بنابراین مهم بود که این پروسه را به نتیجه برسانیم.

در طول این یک سالی که گذشت، از لحاظ پرونده حقوقی نسبتاً پیشرفت خیلی خوبی داشته ایم. یعنی تمام مواردی که به عنوان موارد اختلاف بین ما و آژانس بوده، عمدتاً حل و فصل شده است. یعنی تمام کارهایی که آنها می گفتند شما به صورت مخفی انجام دادید یک مقدار بحث، راجع به تبدیلات (Conversion) بود، که مثلاً کیک زرد را به UF۴ و یا مثلاً UF۴ را به UF۶ تبدیل کرده بودیم، بحث تبدیلات با آژانس تمام شده و به حل و فصل نهایی رسیده ایم. در بحث لیزر که یک بخش بسیار عمده ای بود و مربوط به دستگاههایی بود که از چین و روسیه خریداری کرده بودیم و به آژانس اطلاع نداده بودیم، (گرچه از لحاظ مقرراتی ملزم به دادن اطلاع به آژانس نبودیم) به حل و فصل نهایی با آژانس رسیدیم.

اما چند مسئله دیگر باقی مانده است که البته برخی از آنها را حتی آن روزی که با سه وزیر در تهران مذاکره می کردیم، اصلاً از آنها بی خبر بودیم. یکی از آن موارد، آلودگی سطح بالا است. ما اطلاعی نداشتیم که در کشور ما آثار آلودگی سطح بالا وجود دارد. آلودگی به این معنا است که آثار غنای اورانیوم بالای ۵۰٪ در کارگاههای ما وجود دارد. اگر در کشوری اورانیوم در سطح بیش از ۲۰٪ غنی سازی شود، معنای آن این است که در پی ساخت سلاح است. غنی سازی تا کمتر از ۲۰٪ توجیه برای سوخت نیروگاه دارد و وقتی به ۲۵٪، ۵۰٪ و ۶۰٪ می رسد یعنی هدف ساخت بمب است. بازرسان وقتی از کارگاههای ما نمونه گیری کردند از طریق استفاده از یک نوع دستمالهای خاصی که بر روی نقاط مشکوک می کشند و آن را به آزمایشگاه برده و مورد آزمایش قرار می دهند، مشخص می شود که چه فعل و انفعالاتی در آن مکان صورت گرفته

است. این آزمایش حتی نشان می‌دهد که در چه تاریخی این اقدامات صورت گرفته است. در تابستان ۱۳۸۲ وقتی نمونه گیری کردند و بعد مورد آزمایش قراردادند، گفتند که در ایران آلودگی با غنای ۷۰ و ۸۰ درصد پیدا شده است. این موضوع باعث یک سروصدای جدیدی شد. ما هم دچار حیرت شده بودیم که چرا این آلودگی وجود دارد در حالی که مطمئن بودیم ما چنین فعالیتی را انجام نداده‌ایم. آنها هم قبول نمی‌کردند. حتی این بحث در ایران مطرح شد که برخی از بازرسان آژانس تحت تأثیر آمریکا، دستمال آلوده را به ایران آورده و اعلام کرده‌اند که اینجا آلوده است. بعدها معلوم شد سانتریفیوژهایی که از دلال خریداری کرده بودیم برخی از آنها دست دوم بوده و توسط کشور ثالث غنی‌سازی شده بوده و بالطبع قطعات این سانتریفیوژها آلوده بوده است.

سؤال یکی از اعضای شورا: آیا الان آژانس پذیرفته که این آلودگی از طرف ما نبوده؟

دکتر روحانی: یکی از مشکلاتی که ما الان با آژانس داریم و هنوز حل و فصل نهایی نشده است راجع به همین آلودگی است و ما هنوز نتوانسته‌ایم این مسئله با آژانس به طور کامل حل و فصل کنیم. یعنی آژانس هنوز هم شک دارد که آیا این آلودگیها تماماً مربوط به قطعاتی است که از خارج وارد کردیم یا نه؟ شبهه دیگر اینکه آنها می‌گویند ممکن است در زمان فروپاشی شوروی سابق، از آنها اورانیوم غنی شده خریداری کرده و به ایران آورده‌اید. به دلیل اینکه در آلودگیهایی که کشف می‌شود در آزمایشات مشخص می‌شود که اورانیوم مربوط به کدام کشور است. طبق نظری که آژانس دارد، برخی از آلودگیهایی که در ایران کشف شده است، مواد آن مربوط به شوروی سابق می‌شود. کشور ثالثی که آنها احتمال می‌دهند ما این قطعات را از آنجا خریداری کردیم، پاکستان است. البته از طرف ما اسم هیچ کشوری مطرح نشده است چون ما از دلال خریداری کرده‌ایم. پاکستانیها هم می‌گویند که هیچ ماده‌ای را از شوروی سابق وارد نکرده‌اند. آنها در مورد آلودگی ۳۶ درصدی که در ایران کشف شده است می‌گویند مربوط به بازفراوری اورانیوم مصرف شده در نیروگاه است. البته ما تقریباً با آژانس برای حل و فصل نهایی این مسئله نزدیک شده‌ایم. الان آژانس قصد دارد به مراکز غنی‌سازی پاکستان برود و از آنجا نمونه برداری کند. و یا قطعاتی را از پاکستان به وین برای آزمایش منتقل کند در حال حاضر هم مشکلی بین آژانس و پاکستان بر سر این موضوع ایجاد شده است

موضوع دیگر، بحث ۲۲ است که سوابق آن را اعلام نکرده بودیم که هنوز مسائل این

موضوع پایان نیافته است. سؤال آنها این است که نقشه های P۲ را چگونه و چه زمانی خریداری کرده ایم و چه چیزهای دیگری خریداری کرده ایم و کارگاه P۲ کجا بوده است. ما در مورد P۲. به آنها گفتیم که در یک کارگاه کوچک بخش خصوصی فعالیت می شده و فقط در آنجا فعالیت بوده است. آنها هم هنوز نپذیرفته اند. چون می گویند شما این همه پول برای نقشه ها داده اید و بعد این نقشه ها را به یک شخص دادید که داخل کارگاه کوچک خود این فعالیتها را انجام بدهد؟! قاعدتاً شما در یک نقطه دیگری فعالیت اصلی را انجام می دهید. به هر حال هنوز یک مقدار اختلاف در این زمینه باقی مانده است. که باید برای آنها روشن شود که واقعیت همین است که اعلام کرده ایم.

سؤال یکی از اعضای شورا: یعنی ما در این مورد، دروغ گفته ایم؟

دکتر روحانی: نه، ما دروغ نگفته ایم. ما تمام موارد را درست گفته ایم، البته ممکن است در برخی موارد در اعلام آنها تأخیر شده باشد.

بنابراین اکثر موارد در بخش حقوقی حل و فصل شده است ولی بعضی از موارد هنوز باقی مانده است، گرچه به حل و فصل نهایی نزدیک شده ایم. ما امیدواریم در گزارشی که تا چندی بعد ارائه می شود، البرادعی بتواند بگوید که ایران راجع به آلودگی، تمام کارهای لازم را انجام داده است و این کشور ثالث است که باید با آژانس همکاری کند و در مورد P۲ بگوید که اکثر شبهات و اشکالات مارتفع شده است. به هر حال وضع ما، از لحاظ حقوقی خوب است. یک سال، زمان زیادی نیست. معمولاً اگر کشوری در این گونه امور در یک سازمان بین المللی با مشکل مواجه شود برای حل مسئله، معمولاً به سالها فرصت نیاز است. ما نسبتاً خوب پیشرفت کرده ایم. یعنی سازمان انرژی اتمی، وزارت خارجه و همه مسئولین واقعاً خوب کار کرده اند و پیشرفت ما در این زمینه خوب بوده است.

از لحاظ فن آوری، نسبت به سال گذشته از وضع خوبی برخورداریم. به دلیل اینکه سال گذشته در ابتدای برنامه قرار داشتیم. مثلاً اگر ما قصد داشتیم غنی سازی را انجام بدهیم، حتی ماده اولیه آن را نداشتیم. ما یک مقدار کمی ماده اولیه (UF۶) را از خارج خریداری کرده بودیم و همان مقدار را می توانستیم برای مدت چند ماه مصرف کنیم. اما امروز اصفهان راه اندازی شده است و ما از لحاظ فنی در این زمینه پیشرفت خوبی داشته ایم. وضع مادر قسمت ساخت قطعه و مونتاژ خوب است یعنی در طول یک سال گذشته، قطعات فراوانی را تولید کردیم. البته

این کارها دیگر مخفی نیست و آژانس بر آنها نظارت دارد و از میزان تولید قطعات و مونتاژ و اینکه چه مقدار سانتریفیوژ آماده کرده ایم؛ آگاه است.

در خصوص تعداد سانتریفیوژ، وضع ما نسبتاً خوب است. یعنی سال گذشته زمانی که قصد مذاکره با اروپاییها را داشتیم چیزی در حدود ۱۵۰ عدد سانتریفیوژ داشتیم اما الان در حدود ۵۰۰ عدد سانتریفیوژ آماده داریم. اگر هم قصد داشته باشیم که این تعداد را به ۱۰۰۰ عدد برسانیم، مشکلی نداریم. پس پیشرفت خوبی در این زمینه داشته ایم.

الان به مقطعی رسیده ایم که مجدداً در یک مقطع حساسی قرار گرفته ایم. حساسیت مقطع به این دلیل است که آمریکاییها به اروپاییها می گویند که سر شما کلاه رفته است. به دلیل اینکه ایران در طول این یک سال، تمام مشکلات فنی خود را حل کرده است. اگر سال گذشته جلوی فعالیت ایران را گرفته بودیم قطعات تولید و مونتاژ نشده بود و این میزان سانتریفیوژ در اختیار نداشتند. سال گذشته ماده اولیه (UF۶) نداشتند. در صورتی که امسال این مواد در اصفهان تولید می شود. بنابراین می گویند ایران خود را به مرز تولید رسانده و از فرصت یک سال، حداکثر استفاده را کرده است. در واقع این مطلب را می گویند که اروپا در مجموع ضرر کرده و ایران توانسته برنامه خود را به نحو نسبتاً مناسبی ادامه دهد.

بنابراین به مرزی رسیده ایم که می دانند اگر ما به تعلیق پایان دهیم، در عرض چند ماه با امکاناتی که در اختیار داریم می توانیم به غنی سازی در سطح ۲/۵٪ برسیم. الان فشار روی ما بیشتر شده است که ایران تعلیق وسیع تری را انجام بدهد که در قطعنامه اخیر ماه سپتامبر هم تصویب شده است. ضمن اینکه آژانس را مجبور کردند که در اجلاس ماه نوامبر یک گزارش جامع ۲ ساله را ارائه کند. چون گزارشات آژانس ۳ ماهه است. اگر گزارشی مربوط به ۳ ماه اخیر بدهند تمام آنها مثبت است و مطالب منفی وجود ندارد. اما زمانی که می گویند گزارش ۲ ساله بدهد، مجدداً تمام موارد منفی سال گذشته ذکر می شود و لذا گزارشی که این دفعه آژانس به شورای حکام خواهد داد، مجدداً تخلفات گذشته را بیان می کند که ایران چه تخلفاتی را انجام داده است و در چند مورد خلاف واقع اظهار نموده است و چه چیزهایی را مخفی کرده است. تمام این موارد در گزارش آینده مجدداً ذکر می شود.

این موضوع به این علت است که آمریکاییها مصمم شده اند تا در این مقطع پرونده، را به شورای امنیت ارجاع دهند و به همین خاطر است که فشار خود را روی اروپاییها زیاد کرده اند. ضمن اینکه اروپای امروز با اروپای سال گذشته یک مقدار متفاوت است. اروپا در سال گذشته

۱۵ کشور بود و مقداری وضع بهتر بود و فقط ۳-۴ کشور بودند که با آمریکا همکاری نزدیکی داشتند. ولی الان ۱۰ کشور جدید به آنها اضافه شده است که اکثریت این کشورها آمریکایی هستند. لذا آمریکا الان نفوذ بیشتری در اتحادیه اروپا دارد. در هفته های اخیر که سه کشور راجع به بسته (Package) معروف که می خواهند به ایران تقدیم کنند، در اتحادیه بحث زیادی شده است. این کشورها همان حرف آمریکاییها را تکرار کرده بودند که ایران تخلف کرده و شما می خواهید به آنها جایزه بدهید؟ آنها تخلف کردند و باید به شورای امنیت بروند. سه کشور اروپایی هم گفته بودند اگر شما با ما همراه نشوید خود ما به تنهایی با ایران کار می کنیم. بنابراین یک مقدار نسبت به سال گذشته، وضع متفاوت است. ضمن اینکه فشار آمریکاییها هم نسبت به اروپاییها شدیدتر شده است.

شاید یک مقدار هم نگرانی اروپاییها کمتر شده است. یعنی آنها در ابتدا تصور می کردند که اگر ما به شورای امنیت برویم، بحران و جنگ جدیدی در منطقه خواهد بود و آمریکا به ایران حمله می کند اما الان احتمال اینکه اگر به شورای امنیت برویم، جنگی رخ بدهد خیلی ضعیف است. یعنی آمریکاییها بعید است که قصد داشته باشند یک بحران دیگری در منطقه ایجاد کنند، به دلیل معضلات و مشکلاتی که امروز در عراق با آنها مواجه هستند. بنابراین شرایط، یک مقدار متفاوت است و به همین دلیل اروپاییها نسبت به سال گذشته از اینکه ما به شورای امنیت برویم خیلی نگران نیستند. البته هنوز هم نمی خواهند که ما به شورای امنیت برویم. به دلیل اینکه در شورای امنیت عمدتاً کار به دست آمریکا می افتد و اروپاییها نقش کمتری خواهند داشت. ضمن اینکه از این موضوع هراس دارند که آمریکاییها با این فشار، به تدریج نظام ایران را بشکنند و این مسئله به نفع آنها نیست که یک حکومت آمریکایی در ایران روی کار بیاید و یا اینکه آن قدر فشار وارد کنند که در نهایت جمهوری اسلامی ایران با آمریکا همکاری کند، این موضوع هم به نفع اروپاییها نیست. آنها در این شرایط روابط خوبی با ما دارند و احتمالاً در آن شرایط ممکن است روابط ما با آنها تضعیف شود.

در مجموع، خیلی به نفع اروپا نیست که ما به شورای امنیت برویم. اما در عین حال در مسئله چرخه سوخت، به همان میزانی که آمریکاییها مصمم به جلوگیری هستند آنها هم مصمم اند. البته در این مسئله یک تفاوت اساسی بین اروپا و آمریکا وجود دارد و آن اینکه آمریکا قصد دارد ما را به شورای امنیت ببرد تا تمام مسائل خود را با ما حل و فصل کند. یعنی به بهانه مسئله هسته ای به شورای امنیت می رویم اما با حل مسئله هسته ای از شورای امنیت

خارج نمی‌شویم. آنها قصد دارند تمام مسائل مورد نظرشان همچون بحث خاورمیانه و تروریزم و... را در آنجا مطرح کنند. یعنی آمریکاییها قصد دارند از اهرم شورای امنیت استفاده کنند تا تمام مسائل مورد نظر خود را با ما حل و فصل کنند ولی اروپاییها نمی‌خواهند ما را در یک مشکل بزرگ قرار بدهند. شاید در منطقه، ایران یک فضای تنفسی برای آنها باشد. آنها در حال حاضر جایی را ندارند، عراق و بقیه کشورهای عربی در اختیار آمریکا است. ذخایر نفت و چاههای نفتی در اختیار آمریکا است و فقط کشوری که مستقل و آزاد است و اروپاییها می‌توانند با آن صحبت کنند، ایران است. ضمن اینکه در مسئله چرخه سوخت نظر اروپا هم همانند آمریکا است و اگر بدتر نباشد بهتر نیست. روس هم همانند آنها است و آنها هم می‌خواهند که ما چرخه سوخت نداشته باشیم. تقریباً تمام کشورهای دیگر هم به همین صورت هستند. چین هم نمی‌خواهد که ما چرخه سوخت داشته باشیم ولی چین و روسیه نمی‌خواهند که ما به شورای امنیت برویم. مثلاً آقای لاوروف که به تهران آمده بود اصرار فراوانی داشت بر اینکه چرخه سوخت نداشته باشیم و می‌گفت برای چه می‌خواهید سوخت تولید کنید؟ این فن‌آوری معضلات و مشکلات فراوانی دارد و اصلاً مقرون به صرفه نیست. ما به شما سوخت ارزان می‌دهیم و تعهد به فروش آن می‌کنیم. ایشان به من گفتند که یک پیشنهاد خوبی برای شما دارم و آن اینکه، مگر شما ۲۰ نیروگاه و سوخت آنها را نمی‌خواهید؟ ما تمام آنها را تعهد می‌کنیم. پس، روسها هم نمی‌خواهند ما چرخه سوخت داشته باشیم، هم به دلیل اقتصادی که قصد دارند که سوخت را به ما بفروشند و ایران بازار آنها باشد و هم به دلایل امنیتی. بنابراین در مسئله چرخه سوخت، نوعی اتفاق نظری وجود دارد.

در شرایط فعلی که اروپاییها این بسته (Package) را به ما پیشنهاد داده‌اند، در این بسته هم نکات مثبت و هم نکات منفی وجود دارد. در مجموعه‌ای که آنها به ما ارائه داده‌اند یکسری موارد مثبت و خوب، مواردی هم به صورت شعاری و بی‌محتوا و یکسری موارد هم از نظر ما منفی است. البته امروز صبح (Package) جدید خود را به ما ارائه داده‌اند که در واقع یک مقدار طرح قبلی خود را اصلاح کرده‌اند. مثلاً نقطه مثبت آن این است که می‌گویند ما حق ایران را برای داشتن فن‌آوری هسته‌ای در چارچوب N.P.T به رسمیت می‌شناسیم. یا اینکه می‌گویند ایران حق دارد که دارای نیروگاه هسته‌ای باشد و اینکه چون ایران نفت و گاز دارد پس نباید این فن‌آوری را داشته باشد نادرست است. چون آمریکا می‌گوید ایران اصلاً نیازی به نیروگاه هسته‌ای ندارد ولی آنها می‌گویند این حق ایران است و باید داشته باشد. به دلیل اینکه ایران

حق دارد برای آینده بلند مدت خود نگران باشد که یک روزی نفت و گازش تمام می‌شود و باید این فن‌آوری را داشته باشد.

در بخش دیگری گفته‌اند که ما از اینکه بازار سوخت ارزان نیروگاه هسته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد حمایت می‌کنیم و تمام امکاناتی که برای مسائل ایمنی و حفاظتی نیروگاه‌ها و یا مراکز هسته‌ای است آنها را در اختیار ایران قرار می‌دهیم. در بخش‌های دیگر آن به مواردی اشاره کرده‌اند که مثبت است ولی اهمیت زیادی ندارد. مثلاً می‌گویند ما از این مسئله که ایران عضو WTO باشد حمایت می‌کنیم. اروپاییها قبلاً هم هیچ‌گاه مخالف نبودند، آن کشوری که مخالفت می‌کند، آمریکا است. می‌گویند ما بلافاصله مذاکره T.C.A (قرارداد تجاری بین ایران و اروپا) را شروع می‌کنیم. یعنی می‌گویند به محض اینکه بر سر این معامله با ایران به توافق برسیم بلافاصله مذاکرات را آغاز خواهیم کرد. این موارد برای ما چیزی نقدی ندارد. برای اینکه زمان نهایی شدن آنها طولانی است و ممکن است چند سال طول بکشد تا به نتیجه نهایی برسیم.

در بخش دیگر می‌گویند ما می‌خواهیم ایران به عنوان یک شریک پایدار تجاری اروپا باشد و ما آماده‌ایم در زمینه سرمایه‌گذاری، صنعت، هواپیمای غیرنظامی، کشاورزی و صنایع نفت و گاز در ایران وارد همکاری شویم. این مسئله، بیشتر به صورت کلی است، چون می‌گویند ما آماده‌ایم تا با یکدیگر مذاکره کنیم تا به تفاهم برسیم. در (Package) قبلی مطالبی ذکر شده بود که از دید ما مثبت نبود، البته آنها اعلام کردند که منظورشان چیز دیگری بوده است. مثلاً گفتند ما در مبارزه با تروریسم با ایران همکاری می‌کنیم و تروریست‌خواندن منافقین را ادامه می‌دهیم. استنباط ما این بود که یعنی اگر همکاری نکنیم ممکن است تروریست بودن منافقین را رها کنند. آنها گفتند نه، مقصود ما این نبوده است. البته در طرح جدید، نکته خوبی آورده‌اند و گفته‌اند ما با ایران برای مبارزه با تروریسم وارد همکاری می‌شویم و علیه القاعده و گروه‌های تروریستی مثل M.E.K (منافقین) همکاری کنیم یعنی منافقین را دقیقاً در کنار گروه القاعده قرار داده‌اند. در این طرح برعکس طرح قبل که خیلی بد مطرح شده بود، جملات مناسبی آمده است. در مورد اینکه ما با ایران راجع به چرخه سوخت باید به یک گارانتی (objective guaranty) برسیم، در طرح قبلی نوشته بودند که (objective guaranty) ابتداً به معنی توقف است مگر اینکه راهی پیدا کنیم. این موارد را حذف کردند و گفتند ما باید با ایران به یک توافق برسیم. یک مقدار مواردی که ما با آنها تند برخورد کردیم اصلاح کرده‌اند. مثلاً گفته بودند ما از طرح GA برای خاورمیانه بزرگ حمایت می‌کنیم که ایران هم عضو باشد. کارشناسان ما به آنها گفتند که چه

کسی از شما خواسته است؟ ما اصلاً نمی‌خواهیم. آنها گفتند که این موضوع را روسها به ما گفتند آن را بگنجانیم، اگر نمی‌خواهید آن را حذف می‌کنیم. البته در طرح اخیر این مورد را حذف کرده‌اند. مطلبی بود که آورده بودند و از نظر ما مثبت نبود. بنابراین در این (Package) هم بخش مطالبی است که اهمیت دارد و مطالب دیگری هم هست که اهمیت چندانی ندارد. فعلاً در حد یک طرح است، تا اینکه در مذاکره با آنها بتوانیم به یک توافق برسیم. ممکن است به نتیجه مطلوب نرسیم.

سؤال یکی از اعضای شورا: آیا تمام این همکاریهای آنها، کم یا زیاد در برابر توقف چرخه سوخت است یا خیر؟

دکتر روحانی: اروپا می‌گوید که من وارد این معامله با شما می‌شوم به شرط اینکه شما امروز که فعالیت غنی سازی را تعلیق کنید، این تعلیق ادامه پیدا کند. آنها کلمه نامشخص (infinitive) را این دفعه حذف کرده‌اند. این هم به این خاطر بود که ما راجع به آن شبهه داشتیم. به هر حال چیزهایی که ما نسبت به آنها خیلی حساس بودیم، در این طرح اصلاح کرده‌اند. آنها می‌گویند ایران طبق قطعنامه ماه سپتامبر تعلیق را آغاز کند و این تعلیق در دوره مذاکره ادامه پیدا کند. یعنی تا هر زمانی که ما با یکدیگر مذاکره می‌کنیم تا به توافق برسیم این تعلیق ادامه پیدا کند. ما به آنها گفتیم اشکالی ندارد و ما تا دوره مذاکره تعلیق می‌کنیم ولی دوره مذاکره ۲ ماه می‌باشد. آنها گفتند ۲ ماه امکان‌پذیر نیست. برای اینکه بسیاری از این طرحهایی که با شما داریم را باید بحث کنیم تا به توافق برسیم و بعد باید آنها را به کشورهای خود ببریم و بعضی از آنها را حتی در پارلمانهای خود به تصویب برسانیم. این مسائل با ۲ ماه حل نمی‌شود. ما می‌گفتیم ۲ ماه و آنها گفتند ۲ سال. البته آنها گفتند این ۲ سالی که ما گفتیم یک مدت دقیقی نیست، به این دلیل که شما ۲ ماه گفتید ما هم گفتیم ۲ سال. ولی می‌توانیم با یکدیگر بحث کنیم و فکر می‌کنیم بتوانیم برای این دوره‌ای به یک توافقی برسیم.

سؤال یکی از اعضای شورا: آیا یک سال مورد قبول است؟

دکتر روحانی: ما کمتر از یک سال می‌خواهیم. ما امیدواریم بر سر این موضوع در کمتر از یک سال به توافق برسیم اگر آنها حسن نیت داشته باشند. آنها می‌گویند فعالیتهای خود را تعلیق کنید، بنابراین بحث توقف نیست. آنها می‌گویند در دوران تعلیق و در مذاکرات یکی از موارد

مهم مذاکره بین ما و شما این است که چگونه غنی سازی کنید که توأم با اطمینان لازم باشد که در پی سلاح نیستید. یعنی وقتی شما به ۳/۵٪ رسیدید، ما چگونه مطمئن شویم که شما از این ۳/۵ به سطح بالاتری نمی روید. بنابراین این موضوع، بحث اصلی ما با اروپا خواهد بود. البته ممکن است ما به تنهایی با اروپا به نتیجه نرسیم و اگر با اروپا وارد این پروسه شدیم ناچاریم که دیگران نیز به کمک ما بیایند.

ما برای گرفتن کمک با روسها، مواردی را تست کردیم ولی متأسفانه تاکنون نتیجه، مطلوب نبوده است. آنها می گویند، شما می توانید چرخه سوخت داشته باشید ولی به این صورت نمی شود که هم چرخه سوخت داشته باشید و هم بتوانید اعتماد ایجاد کنید. خود اصرار بر داشتن چرخه سوخت یعنی بی اعتمادی. من با وزیر خارجه روسیه در جلسه ای که ۲/۵ ساعت به طول انجامید به توافقاتی رسیدیم. در آخر جلسه وقتی خواستم جمع بندی کنم، فوری از حرف خودش برگشت و گفت بله این موارد را توافق کردیم ولی من باید این مطالب را با رئیس جمهور مطرح کنم و از ایشان اجازه بگیرم ضمن اینکه با تیم کارشناسی هم باید مشورت شود. بعداً تیم کارشناسی را که به تهران فرستادند توافقات را قبول نکردند و گفتند امکان پذیر نیست. با روسها کار کردن خیلی سخت است و شاید کار کردن با چینها یک مقدار آسان تر باشد. یعنی حساسیتی که روسها روی ما دارند، چین در آن حد حساسیت ندارد. چین به ما قولی نداده است که در این زمینه کاری بکند ولی نسبتاً نرم تر است. البته وزیر خارجه چین هفته آینده به تهران می آید باید دید در مذاکره با وی در تهران به چه تفاهمی می رسیم.

برخی از کشورها با ما همکاری خوبی دارند مثل آفریقای جنوبی. ما با آفریقای جنوبی در حال مذاکره هستیم، دلیل آن هم این است که آفریقای جنوبی هم در آینده قصد دارد چرخه سوخت راراه اندازی کند و لذا نمی خواهد معضلاتی ایجاد شود که برای آینده ی آنها مشکلاتی را به وجود آورد. مثلاً برزیل تا حدی آماده است که با ما همکاری کند، به دلیل اینکه برزیل چرخه سوخت خود را شروع کرده است و نمی خواهد مقرراتی وضع شود که برای آنها هم مشکل زا باشد.

در مجموع فکر می کنیم با یک سری از کشورهای دیگر باید به یک طرح دیگری برسیم که طبق آن طرح و فرمول، آنها سراغ اروپاییها بروند. یعنی فقط ما و اروپا نباشیم. از یک طرف ما و چند کشور باشیم و طرف مقابل هم اروپا باشد. شاید از این طریق بتوانیم با اروپاییها به تفاهم و نقطه مطلوبی برسیم. اگر هم نرسیدیم، چند ماه با اروپاییها مذاکره می کنیم و در نهایت به وضع

امروز خودمان می‌رسیم حداقل محصول کار این خواهد بود که شورای امنیت را به تعویق می‌اندازیم، اگر قرار بود که در ماه نوامبر به شورای امنیت برویم حداقل برای یک سال دیگر این مسئله را به تعویق می‌اندازیم و نسبت به افکار عمومی هم اتمام حجتی کرده‌ایم و در این فرصت فن‌آوری را کامل‌تر می‌کنیم و از لحاظ حقوقی مسائلمان را با آژانس حل و فصل می‌کنیم.

البته ما از سال گذشته که شورای امنیت را به تعویق انداختیم خیلی منفعت بردیم. به خاطر اینکه سال گذشته اصلاً آمادگی برای شرایط شورای امنیت نداشتیم. اما از سال گذشته تا به حال، جلسات فراوانی با بخش اقتصادی، امنیتی و سیاسی برگزار کردیم. در واقع الان خودمان را نسبت به سال گذشته برای شورای امنیت خیلی آماده‌تر کرده‌ایم. چون در ماه‌های گذشته طرح‌های مورد نیاز را آماده کردیم. بنابراین فکر می‌کنیم هنوز هم نمی‌توانیم بگوییم فرض شورای امنیت صد در صد منتفی است.

اگر مذاکرات خود را با اروپا شروع کنیم و با دیگر کشورها هم همکاری کنیم و همه ظرفیت کشور را به میدان بیاوریم، یعنی از کل ظرفیت اقتصادی و سیاسی کشور استفاده کنیم، امید موفقیت کم نیست. مثلاً اگر قرار باشد کشوری در این پرونده به ما کمک کند ما هم باید پروژه‌های مهم را به آن کشور واگذار کنیم نه اینکه پروژه‌ها به کره جنوبی بدهیم و توقع کمک سیاسی از دیگران داشته باشیم. اگر قرار باشد کشوری با ما همکاری کند باید در زمینه اقتصادی همکاری را با آن کشور گسترش دهیم. دولت اعلام آمادگی می‌کند که وارد یک همکاری در این زمینه شوید و پتانسیل‌های اقتصادی را به کار بگیرید و در نتیجه، کشورهای دیگر را به میدان بیاوریم ولی در مقام اجرا هنوز توفیقی نداشته‌ایم.

نقطه دیگری هم مورد نظر ماست و آن اینکه ما نمی‌خواهیم به خاطر عدم اجرای قطعنامه شورای حکام به شورای امنیت برویم. یعنی به گونه‌ای شود که قطعنامه‌ای با اجماع تصویب گردد و ما نسبت به آن قطعنامه تخلف کنیم و به خاطر این تخلف به شورای امنیت برویم. این مسئله توجیه حقوقی دارد، البته توجیه آن قوی نیست که ایران به دلیل اینکه زیر بار مصوبات شورای حکام و آژانس نمی‌رود، پس باید پرونده به مرجع بالاتر برود تا ما بتوانیم بر ایران فشار وارد کنیم. اگر ما نسبت به وظایف پادمانی تخلف نداشته باشیم و آن را اجرا کنیم ولی در معامله با اروپا و در مذاکرات سیاسی موضوع به شکست بیانجامد و به خاطر شکست مذاکرات سیاسی به شورای امنیت برویم، شرایط متفاوت خواهد بود و برای ما خیلی بهتر است تا اینکه

به خاطر تخلفات به شورای امنیت برویم. به دلیل اینکه در صورت شکست مذاکرات سیاسی، دست یک کشور قوی مثل چین باز است که در شورای امنیت بگوید اینها در حال مذاکره بوده‌اند و باید به مسیر مذاکره برگردند و پیشنهاد کنند که مثلاً ۶ ماه مجدداً با یکدیگر مذاکره کنند. این قبیل مسائل در دنیا زیاد اتفاق افتاده است. مثلاً کره شمالی در حال مذاکره بود که این مذاکرات به شکست انجامید و پرونده به شورای امنیت ارجاع شد ولی در آنجا چین و روسیه گفتند که باید مذاکرات ادامه یابد. شورای امنیت پذیرفت که به مذاکرات ادامه دهند. ممکن است مذاکره مجدداً به شکست بیانجامد و دوباره پرونده به شورای امنیت برود؛ ولی این دو مسئله با هم متفاوت است که ما به دلیل شکست در یک مذاکره به شورای امنیت رفته باشیم یا اینکه به خاطر تخلفات.

اگر نظام مصلحت بداند و ما بتوانیم این روند را طی کنیم، فکر می‌کنم یک فرصت برای کشور است. اگر مذاکرات با اروپاییها شروع شود یا روشن می‌شود که آنها در این مقطع حسن نیت دارند و دروغ نمی‌گویند که ممکن است به یک توافق خوبی دست پیدا کنیم و حتی در بحث غنی‌سازی بتوانیم با اروپا به تفاهم قابل قبول برسیم؛ ولی اگر متوجه شدیم که حسن نیتی در کار نیست و می‌خواهند فشار بیاورند تا چرخه سوخت را کنار بگذاریم که در آن شرایط باید تصمیم خودمان را بگیریم، چون ته دل اروپاییها این است که لیستی در برابر چرخه سوخت پیش روی ما بگذارند، تا چرخه سوخت را کنار بگذاریم. مثلاً آنها می‌گویند نیروگاههای اتمی و نیروگاههای تحقیقاتی آب سبک به شما می‌دهیم و سوخت را تضمین می‌کنیم. حتی می‌گویند ما سوخت ۵۰ ساله را برای شما تضمین می‌کنیم و یا آژانس آن را تضمین نماید و به شما اطمینان بدهد. یعنی آنها تکنولوژی، صنعت و قدمهای مهم اقتصادی بردارند و در فن‌آوریهای پیشرفته به ما کمک کنند، به شرط اینکه دست از تولید سوخت برداریم. پس معامله مورد نظر آنها این است که اینها یک امتیازاتی را به ما بدهند و ما هم یک مدت بلندی (مثلاً چند سال) تعلیق کنیم تا با آنها برای تولید سوخت توأم با اعتماد (به اصطلاح ما) و به اصطلاح آنها چرخه سوخت توأم با گارانتی به توافق برسیم. ما assurance می‌گوییم و آنها objective guaranty می‌گویند به هر حال، یک اختلافاتی نسبت به نحوه تضمین و یا نحوه اعتماد داریم. بنابراین یک احتمال وجود دارد که ما بتوانیم با اروپا به نتیجه برسیم و به توافق برسیم و احتمال دیگر اینکه به توافق نرسیم.

در ضمن این مذاکرات، اولین تجربه ما در جمهوری اسلامی ایران است. ما هیچ‌گاه در

جمهوری اسلامی، مذاکره سیاسی به این سنگینی نداشته‌ایم. ما سه مذاکره سیاسی مهم داشتیم. یکی اوایل انقلاب با آمریکا بود که در آن موقع، هم دوره‌ی مذاکره بسیار کوتاه بود و هم به گونه‌ای شد که شما مستحضرید و اطلاع دارید. یک مذاکره دیگری هم بود که با دولت عراق بعد از جنگ داشتیم که این مذاکره ۲ سال به طول انجامید و ما هیچ پیشرفتی نداشتیم. یعنی همان جا که روز اول بودیم در روز آخر هم همان جا بودیم، بدون هیچ پیشرفتی. در واقع این مذاکرات، تجربه‌ی سوم ما است.

ضمناً این پرونده، بسیار سنگین است. در واقع ما با یک کشور روبه‌رو نیستیم و اگر نگوئیم با اکثر کشورهای دنیا، حداقل با اکثر کشورهای غربی روبه‌رو هستیم. ما در حال مذاکره با اروپا هستیم. یعنی در زمان گذشته، سه کشور می‌گفتند از طرف اتحادیه مذاکره می‌کنند، اما الان رسماً اعلام می‌کنند که از طرف کل اتحادیه اروپا با ما مذاکره می‌کنند، چون نماینده آقای سولانا هم در جلسات مذاکرات حضور دارد. بنابراین اولین تجربه جمهوری اسلامی ایران است که یک پرونده سنگین بین المللی را که ابعاد مختلف سیاسی، حقوقی، امنیتی و فنی دارد را می‌خواهد به ثمر برساند.

به اعتقاد من، تا امروز موفق بوده‌ایم، معنای این حرف این نیست که تا پایان کار مشکلی نداریم. ما تا به امروز موفق بوده‌ایم و کار را خوب پیش برده‌ایم. یعنی مادر آژانس به پایان کار نزدیک شده‌ایم. زمانی که آقای البرادعی صحبت می‌کند ایشان هم می‌گویند که چند ماه بیشتر تا زمان حل و فصل نهایی باقی نمانده است. در گزارش هم اعلام کرده است که اکثر موارد، حل و فصل نهایی شده است. پس در این زمینه وضع ما خوب است.

در زمینه فنی هم به سطح بسیار خوبی رسیده‌ایم. طبق اطلاع، آژانس در گزارش اخیر خود آورده است که ایران در زمینه چرخه سوخت در بسیاری از زمینه‌ها به تسلط کامل رسیده است. این موضوع بسیار مهم است. البته برای اروپاییها تحمل این مسئله خیلی سنگین است، به دلیل اینکه این همان وضعیتی است که آمریکاییها به آنها بارها گفته‌اند که ایران سر شما کلاه گذاشته است. ولی برای ما از لحاظ وجهه بین المللی بسیار خوب است و نشان می‌دهد که ما به هر حال در زمینه فن آوری به پیشرفت و موفقیت بسیار خوبی رسیده‌ایم. البته اینها پیش بینی ما از گزارش است، در حدی است که ما اطلاع داریم. اگر در گزارش به همان صورتی که فکر می‌کنیم، این جمله باشد، جمله بسیار تأثیرگذار و مهمی خواهد بود.

در زمینه سیاسی هم وضع ما امروز از سال گذشته بهتر است. چین و روسیه تاحدی در

میدان هستند و اعلام کرده‌اند که با ارجاع پرونده به شورای امنیت مخالفت می‌کنند. کشورهای مثل آفریقای جنوبی هم به صحنه آمده‌اند و کشورهای غیر متعهد هم بیشتر از گذشته در میدان هستند. آنها در اجلاس قبل، بهتر از گذشته عمل کردند. امیدواریم که در اجلاس آتی هم بهتر از قبل باشند. بنابراین ما فکر می‌کنیم تا این لحظه با توجه به اینکه تنها بودیم و روبه‌روی ما بسیاری از کشورها ایستاده بودند و یا لاقلاً، کشورهای قوی و قدرتمند غربی علیه ما بودند و همچنین علی‌رغم فشارهای آمریکا و اسرائیل، ما موفقیت‌های خوبی داشته‌ایم.

من در اینجا خیلی صریح بگویم که اگر فشارهای آمریکا و اسرائیل نبود، مسائل ما ماهها قبل به حل و فصل نهایی رسیده بود. شما می‌دانید ما با اروپاییها حتی روی مسئله چرخه سوخت با فرمولی می‌توانستیم به توافق برسیم. حداقل با آلمان و فرانسه می‌توانستیم به توافق برسیم ولی آمریکا و انگلیس آن را به هم زدند و به آنها گفتند که پیشنهاد ایران خطرناک است و لذا نتوانستیم به نتیجه برسیم. اگر فشار آمریکا در این مسئله نبود، ما آن را نهایی کرده بودیم ولی علی‌رغم فشار آمریکا و بازی و نفوذی که صهیونیستها از لحاظ سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی در کشورهای غربی دارند فکر می‌کنم به طور نسبی، جمهوری اسلامی ایران و نظام، کارآمدی خود را در این پرونده به اثبات رسانده است و امیدواریم تا پایان هم موفق باشد و بتواند مسئله را به صورت مناسب حل و فصل کند.

جناب آقای خاتمی (رئیس جمهور)

خیلی متشکر؛ زحمت کشیدید و استفاده کردیم. انشاءالله خداوند به شما قوت بدهد. گرچه ایشان نیازی به قدرشناسی ما ندارند ولی ما به ایشان تبریک می‌گوییم. واقعاً هم با قوت، عزت و هم با هوشیاری و تلاش فوق‌العاده این کارها را انجام داده‌اند. واقعاً حضرت عالی خدمت خیلی بزرگی را انجام داده‌اید.

پاسخ دکتر روحانی به دیگر پرسشهای اعضای شورا

۱- مسائلی که یکی از دوستان اینجا فرمودند که ممکن است در بحث انرژی هسته‌ای، مسائل دیگری هم مطرح بشود؛ بله این بحث منتفی نیست. الان شما اطلاع دارید در بحث شیمیایی، اخیراً آمریکاییها و انگلیسیها یکی، دو مورد اتهام به ایران وارد کرده‌اند که ما در حال آماده شدن هستیم تا بازرسان بیایند و بازدید به عمل آورند. اما هیچ مسئله‌ای به پیچیدگی مسئله هسته‌ای

نیست. یعنی فرضاً اگر کشوری سلاح شیمیایی داشته باشد آن قدر حساسیت وجود ندارد، ولی سلاح اتمی جایگاه خاص خودش را دارد و نگرانیها و حساسیت روی این مسئله خیلی زیاد است. بی تردید، حساسیت روی مسئله هسته‌ای از شیمیایی و سایر مسائل بیشتر است. ضمن اینکه آنها را جمع به موشک ما هم حساس هستند و اگر روزی ما را به شورای امنیت ببرند یکی از مسائل که ممکن است در آنجا مطرح شود، مسئله موشک است.

اما اینکه شما می‌فرمایید اروپاییها با مسلمانها دشمن هستند، خُب، حکومت چین و روسیه هم با مسلمانها دوست نیستند. در این موضوع همه شبیه یکدیگرند. همان طوری که امام فرمودند، یکی از دیگری بدتر. به هر حال در اینکه نمی‌خواهند ما به یک فن‌آوری پیشرفته برسیم، جای بحث نیست. خیلی روشن است که با ما مخالف هستند. اما در شرایطی که در آن قرار داریم ضمن اینکه آمریکا و اروپا و روسیه در یک هدف مشترکند اما در عین حال، رقابتهایی هم بین آنها وجود دارد.

ما در طول یک سال مذاکراتی که با انگلیس، آلمان و فرانسه داشتیم، بهتر لمس کردیم که چه رقابتهای شدیدی حتی بین این سه کشور وجود دارد. مثلاً من چندی قبل، قصد سفر به فرانسه را داشتیم، انگلیس و آلمان می‌گفتند که اگر ایشان برنامه سفر به اروپا را دارند باید به آلمان و انگلیس هم سفر کند و لذا ماهها این سفر به تعویق افتاد. می‌خواهم بگویم که اینها حتی بر سر یکسری مسائل ساده هم با یکدیگر رقابت دارند و ما هم می‌توانیم از این رقابتهای استفاده کنیم. البته ایجاد شکاف بین آنها آسان نیست.

اما اینکه مسئله هسته‌ای یک بهانه است، برای آمریکا صد در صد این طور است. یعنی آمریکا قصد دارد با بهانه هسته‌ای که بهترین بهانه است و می‌تواند افکار عمومی را توجیه کند و کشورهای دیگر را با خود همراه کند به اهداف دیگر خود برسد. آمریکا قصد دارد ما را به بهانه هسته‌ای، برای سایر اهداف خود به شورای امنیت ببرد. ولی در شرایط فعلی اگر با اروپاییها در مسئله هسته‌ای به تفاهم برسیم آنها موفق نمی‌شوند که ما را به شورای امنیت ببرند. البته این موضوع به خاطر منافع خودشان و منطقه و مسائل دیگر است. بنابراین ما می‌توانیم مجدداً از این فرصت استفاده کنیم. ضمن اینکه آمریکا و اروپا در بعضی از مسائل شبیه یکدیگر فکر می‌کنند. اما در عین حال در برخی مسائل هم با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

اما اینکه ممکن است در آینده در تکنولوژیهای پیشرفته، روبه‌روی ما بایستند و حاضر نشوند امکاناتی در اختیار ما بگذارند و سوختی که قول داده‌اند را به ما ندهند، تمام این مسائل

مطرح است و احتمال آن وجود دارد. و لذا آقای البرادعی پیشنهاد می کرد و می گفت اگر می خواهید یک معامله بزرگی با اروپا انجام دهید، باید این توافق را به شورای امنیت سازمان ملل ببریم و در آنجا مصوب کنیم که آنها ملزم شوند و نتوانند تخلف کنند. ما از روسیه هم که سوخت می گیریم همین احتمالات وجود دارد. تمام قطعات کارخانه هایی که اروپاییها به ما می دهند، اگر فردا به ما ندهند تمام این کارخانه ها دچار مشکل می شوند. ممکن است تمام مواد اولیه ای که از اروپا و چین و روسیه برای کارخانه ها وارد می کنیم، روزی آنها را به ما ندهند. به هر حال تمام این مسائل محتمل است و هیچ کدام از آنها منتفی نیست. ولی بحث در این است که در شرایط فعلی، بهترین راهی که پیش روی ماست کدام است؟

البته اینکه تکیه ما فقط به سه کشور اروپایی باشد، قطعاً اشتباه است. اگر فکر کنیم مسائل ما فقط از طریق اروپا حل می شود این هم اشتباه است. ما معتقدیم باید با اروپا مذاکره کنیم و از کمک دیگران هم استفاده کنیم. هیچ کس نمی تواند در نهایت اطمینان بدهد که پایان کار صد در صد موفقیت آمیز باشد. ولی حداقل این است که ممکن است فضای بهتری پیدا کنیم و در آن فضا بتوانیم مشکلات را با هزینه کمتری حل و فصل کنیم.

به هر حال فضای داخلی ما مهم است که خودمان را آماده کنیم، همین طور فضای بیرونی هم مهم است. مثلاً اگر ما می توانستیم کشوری را پیدا کنیم برای و تو برای شرایط احتمالی آینده مهم بود (سؤال یکی از اعضاء این بود که آیا کشوری حاضر است از حق و تو خود برای ما استفاده کند) گرچه همه این مسائل در دنیا قابل معامله است. یعنی چین می گوید اگر من از حق و تو استفاده کنم روابط آمریکا با من تیره می شود، در مقابل این مسئله چه نفعی به دست می آورم؟ این مسائل وابسته به این است که ببینید اگر خواستند از حق و تو استفاده کنند چه سودی از لحاظ سیاسی و اقتصادی می برند و اگر استفاده نکنند چه حادثه ای رخ می دهد.

چین و روسیه می توانند از این حق استفاده کنند. من فکر می کنم چین تا به حال از حق و تو استفاده نکرده باشد. شاید روسیه هم فقط یکی، دو مورد استفاده کرده باشد. آن کشوری که در شورای امنیت از حق و تو زیاد استفاده کرده است، آمریکاییها هستند. بنابراین آنها می توانند از حق و تو استفاده کنند ولی به هر حال وقتی می خواهند از این حق روبرو آمریکا استفاده کنند، این مسئله قیمتی دارد. آنها محاسبه می کنند که آیا به صرفه آنها است یا نه؟ یکی از تلاشهای سیاسی ما هم این است که روابط خودمان را با این کشورها به سطح مناسبی برسانیم. البته این کار بسیار پیچیده و سخت است. چین که مثلاً صدها میلیارد دلار با غرب و اروپا

تجارت دارد حاضر نیست به خاطر ما همه آنها را به خطر بیندازد، مخصوصاً اینکه اگر آمریکا و اروپا با هم باشند، این کار خیلی سخت می‌شود. یک زمانی آمریکا در پی شورای امنیت است و اروپا مخالف است، آنها هم کنار اروپا خواهند بود ولی زمانی که آمریکا و اروپا با هم هستند، در آن موقع کار سخت می‌شود و بعید است چین و روسیه وارد عمل شوند.

در مجموع، روشن است که اروپا دوست ما نیست و رابطه خوبی با اسلام ندارد اما به خاطر جایگاه استراتژیک ایران نمی‌خواهد ایران را از دست بدهد. فضای تنفسی اروپا در منطقه در شرایط فعلی، ایران است. به همین خاطر نمی‌خواهد این فضا را از دست بدهد. ما فکر می‌کنیم تا به حال در بعضی موارد با ما همکاری کرده‌اند و در بعضی موارد دیگر همکاری نداشته‌اند. اختلاف بین آمریکا و اروپا هم در برخی موارد وجود دارد ضمن اینکه در کل در بحث هسته‌ای هدف واحدی دارند.

۲- اما اینکه سؤال که همه با چرخه سوخت ما مخالفند پس چه راهی وجود دارد؟ باید عرض کنم که ما به یک فرصت نیاز داریم تا بتوانیم این توانمندی خود را به فعلیت برسانیم. یعنی اگر ما یک روزی بتوانیم این چرخه را کامل کنیم و دنیا در برابر عمل انجام شده قرار بگیرد، در آن صورت قضیه فرق می‌کند. دنیا نمی‌خواست پاکستان به بمب اتم برسد و برزیل هم چرخه سوخت داشته باشد. ولی برزیل به چرخه سوخت و پاکستان هم به بمب رسیدند و بعداً دنیا با آنها تعامل کرد. اشکال ما این است که به هیچ یک نرسیده‌ایم ولی در آستانه قرار داریم. در مورد ساخت بمب هسته‌ای که هیچ‌گاه نمی‌خواهیم به سمت آن حرکت کنیم ولی در مورد چرخه سوخت هم هنوز به طور کامل به آن دست پیدا نکرده‌ایم. اتفاقاً مشکل اصلی ما همین است.

۳- یکی از اعضاء اینجا گفتند که باید این مسئله مخفی انجام می‌گرفت. قرار این بود که آشکار نباشد ولی به هر حال از طریق جاسوسان آشکار شد. قرار این نبود که این موضوع اعلام شود. شما می‌گویید اگر از ابتدا می‌گفتیم که ما می‌خواهیم چرخه سوخت داشته باشیم، آسان‌تر بود. بله، اگر از ابتدا قرار این بود که ما اعلام کنیم یعنی همان طوری که از همان زمان کلنگ زدن اصفهان به آژانس اعلام کردیم که قصد ساختن کارخانه UCF را داریم، نظنر را هم از ابتدا اعلام می‌کردیم مشکلاتی نداشتیم و یا مشکلات ما به مراتب کمتر بود. اساساً علت اینکه پرونده ما

پیچیده شده به همین خاطر است. آنها می گویند اگر شما در پی چرخه سوخت واقعی بودید چرا مخفیانه کار کردید؟! تمام اشکالات از اینجا نشئت می گیرد. اگر آشکارا انجام می دادیم، مسئله خیلی ساده تر بود. از ابتدا قرار بود به خاطر یکسری دلایل مثلاً فشار غرب برای تهیه مواد اولیه و امثال آن، برای مدتی اعلام نشود البته همه می دانستیم که این موضوع زمانی آشکار می شود. فعلاً نمی خواهیم تاریخچه این مسئله را بیان کنم.

۴- اشاره کردند به مواردی از اشکالات، به هر حال یکسری اشکالاتی بوده مافِعلاً با این شرایط مواجه هستیم. غرب با چرخه سوخت ما مخالف است و اتفاقاً مشکل اصلی ما هم همین است. مثلاً اگر روس با چرخه سوخت ما موافق بود، کار ما خیلی آسان می شد. حتی اگر چین و یا ژاپن با این کار موافق بودند کار ما آسان تر بود. همه کشورها با این موضوع مخالفند. کشورهای قدرتمند مخالفند و اسرائیل و آمریکاییها هم آنها را تحریک می کنند و اروپا هم مخالف است. به همین دلیل فعالیت ما آسان نخواهد بود. اگر ما بتوانیم از لحاظ سیاسی به نقطه مشترکی برسیم که با تعامل با دنیا چرخه سوخت را فعال کنیم، بسیار مطلوب است. ما احتمال می دهیم در این راه بتوانیم موفق شویم. اگر بتوانیم، هنر بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران است. اگر به این هدف نرسیدیم یعنی به جای تعامل، برخورد و تقابل باشد؛ در آن شرایط، کشور باید تصمیم بگیرد که چرخه سوخت را فعال کند حتی اگر به شورای امنیت برود و تحریم برسد یا اینکه تصمیم بگیرد برای مدتی تعلیق را ادامه دهد.

من فکر می کنم نباید در این مسئله خیلی عجله کرد. ما باید یک مقدار حوصله به خرج دهیم و برای شکستن تعلیق مناسب ترین زمان را پیدا کنیم. اگر بخواهیم با مخالفت غرب فعالیت غنی سازی را آغاز کنیم. باید بهترین زمان و بهترین شرایط را پیدا کنیم و اگر هم قصد داریم تعامل کنیم، باید همه توان و امکانات را برای این هدف به کار بگیریم، نباید عجله کنیم و باید خیلی حساب شده حرکت کنیم.

۵- اما اینکه گفتید چرا درها را باز کردید باید عرض کنم که راه دیگری نداشتیم. اولاً از لحاظ پادمان در بعضی از موارد ناچار بودیم یعنی خود ما از آقای البرادعی دعوت به عمل آوریم تا از نظنز بازدید کند. البته اینکه نمونه برداری آنها چقدر دقت دارد و آلودگی در مراکز ما چقدر است ما اطلاعات دقیقی نداشتیم. نه اینکه بنده و سیاسیون اطلاع نداشتیم، فنیهای ما هم

اطلاعات درستی نداشتند که قطعات وارداتی آلودگی دارد. زمانی که بازرسان آژانس آمده بودند تا نمونه برداری کنند ما خوشحال بودیم به دلیل اینکه می گفتیم با این بازرسیها روشن می شود که فعالیت ما در چارچوب N.P.T است. وقتی در نظرسدستمال کشیدند و نمونه برداری کردند، بعد از آزمایش متوجه شدند که آلودگی سطح بالا وجود دارد. ما از منشاء این آلودگی خبر نداشتیم. متخصصین ما هم نمی دانستند که قطعاتی که از خارج وارد شده آلوده بوده است و حتی نمی دانستیم که آلودگی از لحاظ فنی چگونه منتقل و منتشر می شود. حتی این را نمی دانستیم که چگونه این آلودگیها با دقت بالا در آزمایشگاهها مشخص می شود. دستگاههایی که ما در اختیار داریم بسیار قدیمی است در حالی که آنها از آزمایشگاههای بسیار مدرن استفاده می کنند. یعنی آزمایشگاههایی که آژانس استفاده می کند در اروپا و آمریکا و روسیه است. بنابراین اظهارات آنها و نتیجه گیری آنها برای ما تعجب آور بود. زمانی که به ما گفتند ۸۰٪ آلودگی وجود دارد، دچار حیرت شدیم.

آنچه مورد سؤال شما بود که خیلی از مسائل در این بازرسیها آشکار شده است، به آن صورتی نیست که در روزنامه های ما منعکس می شود. واقعاً مسائلی که امروز آژانس می داند با آنچه که از قبل می دانسته خیلی فرق نکرده است. ما برخی از مسائل را مخفی کرده بودیم و فکر می کردیم هیچ کس از آنها مطلع نیست ولی همین چیزی که مخفی کرده بودیم متأسفانه در تحقیقات و در رساله فوق لیسانس و دکتری و در مقاله های علمی، قبلاً منتشر شده بود. برخی از مسائل هم از طریق چین و روسیه به آژانس منتقل شده بود.

۶- در مورد مسئله واسطه ها که اینجا اشاره شد، ما اسم پاکستان را تا به امروز در هیچ کجا اعلام نکرده ایم ما گفته ایم از یک دلال خریداری کردیم. ما حتی به آنها گفتیم که دلال اولیه ما یک شخص اروپایی بوده است. از ما پرسیدند که این آقای طاهر که با شما معامله انجام داده است، تبعه کدام کشور است؟ ما در جواب اعلام کردیم که قیافه این شخص به مردم شبه قاره شبیه بوده است. نام پاکستان را خود آژانس مطرح کرده است. البته می دانید که لیبی همه مسائل را افشا کرده است. ولی ما چیزی نگفتیم و فقط گفته ایم که از یک دلال خریداری کرده ایم. اتفاقاً ما این مسئله را نسبت به پاکستان مراعات کردیم ولی دیگران این مسئله را افشا کردند که به این صورت در آمده است. بنابراین موارد مهمی نیست که بگوییم اینها آمدند و با بازرسی کشف کردند و اگر به آنها اجازه ورود نمی دادیم کشف نمی شد؛ ضمن اینکه راه دیگری نداشتیم. ما

پادمان و N.P.T را قبول کرده ایم. (البته هر دوی اینها در مجلسین سابق تصویب شده است) تا فشار سیاسی، تبلیغی و سایر فشارها علیه ما کم شوند. همین طور که کنوانسیون شیمیایی را قبول کردیم (که طبق آن ظرف ۱۲ ساعت می آیند و از هر کجا که مد نظرشان باشد بازدید می کنند) البته این کنوانسیون را در نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته ایم. در واقع ما بین بد و بدتر، راه حل بد را انتخاب کرده ایم و چاره دیگری نبوده است. اگر کنوانسیون شیمیایی را امضاء نمی کردیم از بسیاری از مواد اولیه شیمیایی که الان در کشور داریم محروم می شدیم و منجر به این می شد که صنعت شیمیایی ما دچار مشکل می شد. وقتی این معاهدات را امضاء کردیم باید بازرسیها را هم تحمل کنیم. به هر حال نظام روی این مسائل تصمیم می گیرد. در بحث شیمیایی نظام جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است. یعنی موضوع در شورای عالی امنیت ملی و بعد در مجلس شورای اسلامی تصویب و در نهایت توسط شورای نگهبان تأیید شده است. بنابراین به دلایل مختلف، راهی جز این نبوده است و اگر این بازرسیها را قبول نمی کردیم، باید تبعات دیگر آن را تحمل می کردیم.

۷- مطلبی در مورد افکار عمومی و مسئله حیثیتی گفته شد که این مسئله کاملاً درست است. این مسئله یک مقدار به دلایل مسائل خطی و جناحی و به دلایل دیگر، بیش از آنچه که باید مطرح بشود، مطرح می شود. گویی تمام فکر و برنامه ما از صبح تا شب همین مسئله هسته ای شده است. یکی از بحثهای ما در دبیرخانه و در مراکز دیگر تصمیم گیری کشور همین بحث است. واقعاً وقت ما را خیلی صرف کرده است. این مسئله یک مقدار بیش از حد در افکار عمومی مطرح شده است. اوایل که مسئله پروتکل مطرح شد یک عده معتقد بودند که این پروتکل خیانت است و عده ای دیگر معتقد بودند که باید با سه فوریت در مجلس به تصویب برسد. بین جناحها اختلاف نظر وجود داشت و این اختلافات به مسئله دامن می زد. در سال گذشته به دلیل اینکه بحث رفتن پرونده هسته ای به شورای امنیت مطرح بود، اقتصاد ما را شدیداً تحت تأثیر قرار داده بود و هنوز هم این تأثیرات وجود دارد. زمانی که آژانس یک قطعنامه تندی علیه ما صادر می کند ارزش سهام در بورس کاهش می یابد و زمانی که قطعنامه خوبی صادر می شود، ارزش سهام در بورس بالا می رود. بنابراین اقتصاد، افکار عمومی و متأسفانه امنیت ما تحت تأثیر این مسئله است. ما باید فتیله تبلیغات را کمی پایین بکشیم و همان طوری که گفتید بحث افکار عمومی بسیار حساس است. ما هر کاری که انجام می دهیم باید

افکار عمومی را به همراه داشته باشیم. این اشکال، اشکال واردی است که اگر زاویه پیدا کند یعنی تصمیمات سیاسی کشور با افکار عمومی، حتماً با مشکل مواجه می‌شویم. به دلیل اینکه همین مردم می‌خواهند در هر شرایطی از ما پشتیبانی کنند. پس مردم باید از ابتدا در جریان امور باشند.

در مورد شورای امنیت و تحریم، چون احتمال شورای امنیت وجود دارد و هنوز هم این مسئله منتفی نیست، ماهها است که روی بحث شورای امنیت کار می‌کنیم و بخشهایی از دولت من جمله ستاد اقتصادی دولت درگیر این مسئله است. ما جلسات متعددی را برای طرح برای شرایطی که به شورای امنیت برویم و با تحریم مواجه شویم در دبیرخانه برگزار کرده‌ایم. ما برخی از این طرحها را در شورای عالی امنیت ملی به تصویب رسانده‌ایم و دولت هم برنامه های آن را برای شرایطی که شورای امنیت قصد داشته باشد ما را در فشار اقتصادی قرار دهد و تحریم اقتصادی کند، آماده کرده است. بنابراین ما خود را آماده کردیم. یک دلیل ضرورت تأخیر برای رفتن به شورای امنیت هم همین مسئله بود که بتوانیم آمادگیهای لازم را در داخل کشور داشته باشیم.

۸- اما نسبت به بحث تحریم، مسئله تحریم آسان نیست. البته ما ۱۵ بند سیاست را در چارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی به دولت ابلاغ کرده‌ایم. البته متأسفانه به برخی از آن موارد عمل نمی‌شود و مجلس به خاطر مشکلات اقتصادی که هست دولت نمی‌تواند در چارچوب هایی که ما آنها را تصویب کرده‌ایم عمل کند. بنابراین این مشکل وجود دارد. اما در عین حال نمی‌توان کل اقتصاد و زندگی مردم را ظرف ۶ ماه تغییر بدهیم.

در مورد داستان کشف شدن نطنز، مسائل مختلفی بوده من جمله منافقین دخالت داشته‌اند. آنها هم از طرق مختلف اطلاعات کسب می‌کردند، اولاً آنها از تردهایی که در منطقه نطنز داشتند مطلع شده بودند در اینجا فعالیتی است. حتی آنها تا نزدیکهای این منطقه (همان جایی که آقای دکتر... اشاره کردند که قصد داشتیم سیلوی گندم احداث کنیم) آمده بودند و از آنجا عکس برداری کرده بودند و اطلاعات جمع آوری می‌کردند. آنها از یکسری از افراد تخلیه تلفنی هم انجام داده بودند و متأسفانه اطلاعات از این طریق افشا شده بود. یکی، دو کارمند در سازمان انرژی اتمی هم بودند که جاسوس برخی از کشورها بودند یعنی زمانی که گودبرداری می‌کردیم عکس گرفتند و همین کار را در مراحل بعدی هم انجام داده بودند. آنها از طرق

مختلفی من جمله ماهواره اطلاعات به دست آورده بودند که یکی از آن کانالها هم کانال منافقین بود.

اینکه آقای البرادعی چگونه شخصی است، او هم همانند سایر افراد سیاسی است. او مدیر کل آژانس بین‌المللی است و قصد دارد همین سمت را داشته باشد. این موضوع برای او یک اصل است و برای اینکه رئیس باقی بماند، حداقل باید حمایت آمریکا و اروپا را داشته باشد. حتماً باید حداقل حمایت یکی از آنها را داشته باشد. بنابراین آنجایی که آمریکا و اروپا هر دو مخالف برنامه ما هستند، او هم نمی‌تواند یا نمی‌خواهد خیلی با ما همکاری داشته باشد و از این کار فرار می‌کند. در بعضی از موارد که اروپا با ما همکاری می‌کند و آمریکا مخالف است، یک مقدار به خاطر اینکه اروپاییها از او حمایت می‌کنند تا مجدداً مدیر کل باقی بماند و آمریکا مخالف این موضوع است، با ما همکاری می‌کند. به هر حال او هم مثل همه اشخاص سیاسی دنیا است. من فکر نمی‌کنم غرض خاصی نسبت به ما از باب اینکه عرب است داشته باشد. اما در عین حال کمکهایی هم که به ما می‌کند و یا کارهایی که انجام می‌دهد به هر حال منافع خود و سازمان خودش را مدنظر دارد.

بعضی از مواردی هم که ما او را قانع کرده بودیم، آنها را رد کرده است. استدلالی هم که دارد گاهی درست است. الان «هفتاد و دو ملت» در آژانس حضور دارند. یعنی یکی از معاونین آقای البرادعی سوئدی، یکی دیگر از آنها فرانسوی و دیگری انگلیسی است و معاون حقوقی ایشان هم آمریکایی است. یعنی اطرافیان آقای البرادعی مربوط به قدرتهای مختلف هستند. معلوم است که معاون آمریکایی او اطلاعات را به آمریکا و معاون انگلیسی به انگلیس می‌دهد. مثلاً در بعضی از موارد به آقای البرادعی پیشنهاد می‌دهیم که چنین کاری را انجام بدهد، او جواب منفی می‌دهد و می‌گوید به دلیل اینکه ستاد من قانع نشده است، لذا کاری از دست من ساخته نیست.

۹- در این خصوص که پرسش فرمودند که نظر البرادعی چقدر مؤثر است، باید بگوییم البته نظر او در بعضی از موارد مؤثر است ولی معمولاً کل افراد ستاد در آژانس مؤثر هستند. به دلیل اینکه در آنجا بحث می‌کنند نسبت به مواردی را از ما سؤال می‌کنند و تحقیقاتی را انجام می‌دهند و در مورد آنها به نتیجه گیری می‌رسند. بنابراین این شخص هم همانند سایر اشخاص دیگر است و به عنوان یک عضو می‌تواند تأثیر داشته باشد.

۱۰- اما در مورد مسئله لغو تحریم که پرسش فرمودند باید عرض کنم که یکی از پیشنهادهای ما در مذاکره با اروپا این است که کل تحریمها به تدریج لغو گردد. اروپاییها در قدم اول می گویند مواردی که شما مورد تحریم هستید در ۳ مقوله است. ۱) کالاهایی که فوق العاده حساس اند. ۲) کالاهایی که حساس اند. ۳) کالاهایی که از حساسیت کمی برخوردارند. آنها نسبت به قسمت اخیر می گویند می توانند قدم به قدم پیش بروند و آنها را لغو کنند. در مورد قسمت دوم که حساس است می گویند به زمان نیاز داریم، به دلیل اینکه مصوبات قانونی داریم و ما باید آنها را به پارلمانها برده و در آنجا لغو کنیم. در مورد قسمت اول هم که موارد فوق العاده حساس است می گویند قول نمی دهیم و الان هم نمی توانیم در آن مقوله توافقی داشته باشیم. البته آنها یک حرف کلی می زنند. ممکن است قسمتی از آن صحیح و قسمتی از آن هم درست نباشد. آنها می گویند اگر ما در این مذاکرات، در نهایت به یک توافق کامل در مسئله هسته ای با یکدیگر برسیم، مقدمه ای برای روابط استراتژیک بین ایران و اروپا خواهد بود. این مسئله را در سطح پایین بیان نمی کنند. بنده جلسه ای که با سه وزیر در اروپا داشتیم، این مطلب را وزراء به صراحت گفتند. آنها گفتند ما در نهایت در پی روابط استراتژیک با ایران هستیم. دلایل خود را هم بیان می کنند. البته این مسئله وابسته به این است که ما در مسیری که به جلو می رویم، بتوانیم به توافق برسیم. خود ما به هیچ یک از قولهایی که اروپا می دهد اطمینان نداریم، مگر اینکه با آنها به توافق نهایی برسیم و در مقام عمل ببینیم که درست است. ما هیچ اعتمادی نداریم و متأسفانه آنها هم به ما اعتماد ندارند و تصورشان این است که ما سر آنها کلاه می گذاریم و ما هم تصورمان این است که آنها می خواهند این کار را با ما انجام دهند. بنابراین اعتماد، در مقام عمل باید قدم به قدم به دست آید.

این کار، کار بسیار پیچیده و سختی است. من شخصاً خوشبین نیستم اما ناامید هم نیستم و بدبین هم نیستم که بگویم هیچ راهی وجود ندارد و راه ما بن بست است. ما باید به جلو برویم و ممکن است آن صدى که ما می گوئیم محقق نشود و آن چیزی هم که اروپا در پی دستیابی به آن است ممکن است محقق نشود. در نهایت ممکن است از آن چیزی که ما و اروپاییها بخواهیم از ۱۰۰٪ پایین تر بیاییم و به توافقی برسیم. خوب ظاهراً اذان را هم گفتند، باید برای نماز و افطار آماده شویم.